

عاشورا پژوهی در مسیحیت

گامی نو در دیپلماسی فرهنگی و گفت‌وگوی ادیان

▪ هفته‌نامه افق حوزه ▪ دوشنبه ▪ ۲۶ مرداد ۱۴۰۵ ▪ ۴ ربیع‌الأول ۱۴۴۸



از همان ابتدا، رسالت و مأموریت این مؤسسه را در سه محور تعریف کردیم: محورهایی که در آن زمان بسیار نوآورانه بود و به‌گمان من، هنوز هم در بسیاری از عرصه‌ها کم‌رقیب و حتی بی‌رقیب است.

۱. مطالعه و ارتباط با فرقه‌های شیعه‌تبار

نخستین محور، مطالعه و برقراری ارتباط با فرقه‌های شیعه‌تبار، از جمله اسماعیلیه، علویان، جامعه یارسان (اهل حق) و شیخیه و شاخه‌های مختلف این جریان‌ها در ایران و کشورهای همجوار بود. در آن زمان، کمتر کسی به‌صورت جدی به سراغ این جریان‌ها می‌رفت و اگر هم مجموعه‌ای در این زمینه فعالیت می‌کرد، متأسفانه عمدتاً رویکرد آن، معطوف به اثبات کفر یا ردّ آنان بود؛ اما ما رویکرد متفاوتی را برگزیدیم. همان‌گونه که نهادهای دیگر برای تعامل و هم‌افزایی با پیروان مذاهب اهل‌سنت یا شاخه‌های ارتدوکس، پروتستان و دیگر انشعابات ادیان و مذاهب تلاش می‌کردند، ما نیز بر اساس قاعده «الأقرب فالأقرب»، احساس کردیم در برابر عواطف و احساسات پیروان این جوامع شیعه‌تبار نسبت به اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، هرچند با مراتب و تفاوت‌های گوناگون، مسئولیت و وظیفه‌ای بر عهده داریم.

در این مسیر، بحمدالله توفیقات ارزشمندی نیز حاصل شد. بخش مهمی از فعالیت‌های ما معطوف به خدمت، هم‌افزایی، تعامل و جذب حداکثری خانواده‌های شهدا، رزمندگان، جانبازان و ایثارگران همراه با نظام در میان این جوامع در داخل کشور بود. همچنین تلاش کردیم، دامنه این تعاملات را گسترش دهیم تا دست‌کم از بخشی از سوءاستفاده‌های جریان‌های ضدانقلاب و جریان‌های ضدشیعی در میان پیروان و رهبران این جوامع جلوگیری شود.

البته این تعاملات همواره ذیل رهنمودهای رهبر حکیم و شهید انقلاب (علیه‌السلام) و با نگاه به ضرورت توجه روزافزون به «مستضعفان فکری هم‌تبار» انجام می‌شد و از این منظر، قابل ارزیابی و تحلیل است. مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز تا امروز عمدتاً با مذاهب رسمی اهل‌سنت تعامل دارد و تا آنجا که اطلاع دارم، حتی علمای زیدیه همسو با انقلاب اسلامی، با وجود همه ظرفیت‌ها و همراهی‌های‌شان با جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در مقابله با آمریکا و رژیم صهیونیستی، هنوز عضویت رسمی در آن مجمع ندارند.

امروز با افتخار می‌توانم بگویم که مؤسسه مطالعات اهل‌بیت (علیهم‌السلام) از معدود مراکزی بوده است که طی بیش از سی سال، به‌عنوان حلقه وصل، ارتباط و تعامل مستمر با نخبگان، جوانان و شخصیت‌های همدل این فرق را در حوزه‌های مشترک دنبال کرده و همچنان ادامه می‌دهد. در تمام این سال‌ها نیز هر زمان دستگاه‌های مختلف، مراکز علمی، دانشگاه‌ها، طلاب، دانشجویان و نهادهای پژوهشی در این زمینه نیازمند مشورت یا همکاری بوده‌اند تا حد توان از هیچ‌گونه همکاری دریغ نکرده‌ایم.

ادامه در صفحه بعد

عاشورا پژوهی در مسیحیت

گامی نو در دیپلماسی فرهنگی و گفت‌وگوی ادیان

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین هادی درویشی

شناخت و معرفی معارف حیات‌بخش عاشورا و قیام اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) به غیرمسلمانان، یکی از ضرورت‌های کلان تبلیغ بین‌المللی در عصر حاضر است؛ ضرورتی که با گسترش پدیده تمدن‌ساز پیاده‌روی اربعین و جلب توجه الهی‌دانان و اندیشمندان شرق و غرب، ابعاد تازه‌ای یافته و بستری بی‌بدیل برای کشف و تبیین مفاهیم متعالی و مشترکی همچون «ایثار»، «عدالت‌خواهی»، «کرامت انسانی» و «تقابل خیر و شر» فراهم ساخته است. این رویکرد معرفتی مشترک، شالوده و مؤلفه‌های اصلی شکل‌گیری «تمدن نوین بین‌دینی» و اخلاق‌محور را در جهان معاصر پایه‌ریزی می‌کند. هفته‌نامه «افق حوزه» در گفت‌وگویی تفصیلی، صمیمانه و سرشار از نکات علمی و خاطرات شنیدنی با حجت‌الاسلام والمسلمین هادی درویشی، معاون فرهنگی، آموزش و پژوهش بنیاد بین‌المللی عاشورا، مدیر مؤسسه مطالعاتی اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و از فعالان باسابقه عرصه ادیان و مذاهب، به واکاوی ابعاد گوناگون موضوع «عاشوراپژوهی در مسیحیت و زمینه‌های تعامل علمی و هم‌افزایی در قلمروی مفاهیم مشترک معنوی و اخلاقی در بستر گفت‌مان عاشورایی» پرداخته است.

در این گفت‌وگوی اندیشه‌محور، ضرورت ترجمه آثار مستشرقان و اندیشمندان غیرمسلمان درباره واقعه کربلا، ظرفیت‌های فرادینی نهضت حسینی، خاطرات شنیدنی ایشان از مراودات بین‌المللی. از جمله سفر به واتیکان، گفت‌وگو با مقامات مذهبی آن و دیدار با نویسندگان برجسته مسیحی و هندو. و در نهایت، ترسیم چشم‌اندازی روشن برای دیپلماسی فرهنگی و مذهبی بر پایه مکتب سیدالشهدا (علیه‌السلام)، مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته است. مشروح این گفت‌وگوی خواندنی را در ادامه می‌خوانید.

بخش اول: از جبهه‌های کردستان

تأسیس مؤسسه مطالعات اهل‌بیت (علیهم‌السلام)

• جناب استاد درویشی، بسیار سپاسگزاریم که فرصت خود را در اختیار هفته‌نامه افق حوزه قرار دادید. به‌عنوان طلیعه سخن، بفرمایید فعالیت‌های علمی و تبلیغی شما در عرصه بین‌الملل و ادیان و مذاهب از کجا آغاز شد و چه شد که به این مسیر متفاوت گام نهادید؟

• بنده هم از حضور شما عزیزان رسانه «حوزه» صمیمانه تقدیر و تشکر می‌کنم. آغاز ورود من به دنیای ادیان و مذاهب، به دوران دفاع مقدس بازمی‌گردد. در سال ۱۳۶۶ برای خدمت رزمی. تبلیغی در کنار رزمندگان به منطقه کردستان اعزام شدم و پس از مدتی، مدیریت حوزه‌های علمیه اهل‌سنت در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی را که زیر نظر نماینده حضرت امام (علیه‌السلام) در منطقه کردستان و با عنوان «مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور» فعالیت می‌کرد، بر عهده گرفتم.

این مأموریت که خود مجالی مفصل برای گفت‌وگو می‌طلبید، سرآغاز آشنایی من با دنیایی متفاوت بود؛ ارتباط با علما و حوزه‌های علمیه اهل‌سنت شافعی در کردستان و به‌تبع آن، اهل‌سنت دیگر نقاط کشور.

این فضا به‌تدریج پای مرا به کنفرانس‌های بین‌المللی در ایران، از جمله کنفرانس وحدت اسلامی، باز کرد؛ کنفرانسی که در آن شخصیت‌های برجسته جهان اسلام، از قبیل «یوسف قرضاوی» و دیگر اندیشمندان مسلمان حضور پیدا می‌کردند. همچنین سفرهای متعددی به کشورهای مختلف، از جمله هند، سوریه،

عربستان، کشورهای متعدد اروپایی، حوزه بالکان، آسیای میانه (تاجیکستان و گرجستان) و نیز کشورهای قاره آفریقا داشتم. این سفرها با هدف شرکت در اجلاس‌ها و همایش‌های علمی و بازدید از مراکز حوزوی، دینی و آکادمیک انجام می‌شد و موجب آشنایی عمیق‌تر من با دنیای ادیان و مذاهب و نیز شخصیت‌های علمی و دینی مرتبط با این حوزه شد.

در آن دوران که طلبه جوانی بودم، این تجربه‌های میدانی، مسیر تحصیلی مرا نیز تغییر داد. در مدت توفیق حضور در منطقه کردستان، شامل استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، هرگاه موضوعات فقهی، مانند «مکاسب» را با دوستان طلبه هم‌رزم شیعه و برخی از فضلالی اهل‌سنت مباحثه می‌کردیم، تلاش می‌کردم به‌اقتضای فضا، در کنار فقه شیعه، از منابع علمی و مبنایی فقهی سایر مذاهب اهل‌سنت نیز آگاه شوم و بدانم فقهای شافعی، حنفی و مالکی در این‌باره چه نظری دارند.

در موضوعات علم کلام نیز همین رویه را دنبال می‌کردم تا دیدگاه‌های ماتریدیه، اشاعره، معتزله و جریان‌های نوپدید کلامی را بشناسم. بدین‌ترتیب، درس خواندن ما صبیغه تطبیقی به خود گرفت و در ادامه، به‌طور طبیعی وارد عرصه کلام، اخلاق و فقه ادیان شدیم تا قلمروهای مشترک را بیابیم و در میدان تحقیق و اجرا، به‌صورت کاربردی از آن بهره بگیریم؛ مسیری که با جریان عمومی و سنتی حوزه تفاوت‌هایی داشت.

همین جاذبه، سبب شد حضورم در این منطقه، با وجود ناامنی‌ها و مخاطرات فراوان، به حدود بیست سال برسد. به یک معنا، خود را عمیقاً مدیون فضای حقیقتاً علمی و طلبگی، مراحم و محبت‌های